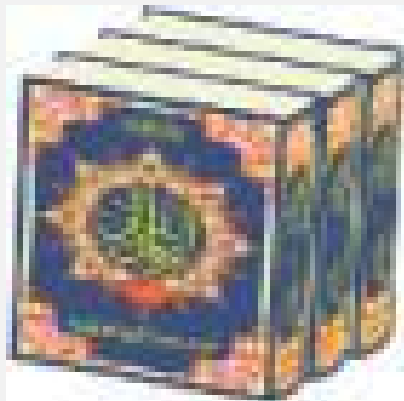




تأویل نوعی تفسیر است که علاوه بر رفع ابهام، دفع شبهه نیز می‌کند

تأویل نوعی تفسیر است که علاوه بر رفع ابهام، دفع شبهه نیز می‌کند. بنابراین مورد تأویل نسبت به تفسیر، اخص مطلق است. هر کجا تأویل باشد، تفسیر نیز هست. تفسیر در مورد مبهمات است که در محکم و متشابه هر دو وجود دارد و تأویل صرفاً در متشابه است که هم ابهام و هم تشابه دارد.

بحث از محکم و متشابه در قرآن کریم از دیرباز مورد توجه است. در این نوشتار نگاهی به این مسئله مهم قرآنی داریم. در تعریف محکم و متشابه نظرات متعددی ارائه شده است. به طور مثال «نیشابوری» معتقد است که محکم بودن آیات قرآنی همان استواری مطالب و متناقض نبودن آیاتش است و منظور از متشابه، شباهت هر قسمت آن به قسمت دیگر از جهت راستی، حقیقت و معجزه بودنش است.

اما گروهی دیگر نیز گفته‌اند که محکم آن است که مراد از آن دانسته شود، چه توسط خود آیه یا با تأویل آیه مورد نظر و متشابه را جز خدا کسی نمی‌داند؛ مانند زمان قیامت و حروف مقطعه در اول برخی سوره‌های قرآنی و سایر تعریفات که در یک نگاه کلی می‌توان گفت آیات محکم همان آیاتی است که ما در بدست آوردن معنی و مفهوم حکم آن‌ها به مشکل نیافتاده به راحتی حکم‌شان را بدست می‌آوریم.

آیات متشابه آیاتی هستند که باید در به دست آوردن مفهوم آن‌ها نهایت دقت را به عمل آوریم؛ چون معنا و مفهومی به راحتی مشخص نیست و برای بدست آوردن مفهوم‌شان به اهل فن و متخصصین که با لفظ اولوالباب در قرآن معرفی شده‌اند مراجعه کنیم که شیعه این را با عنوان چهارده معصوم (ع) می‌شناسد.

همچنان‌که اشاره کردیم در بدست آوردن مفهوم صحیح آیات متشابه نظرات متفاوتی وجود دارد و متخصصین علوم قرآنی همواره در فکر حل این مسئله هستند تا راهی به سوی درک این آیات الهی بگشایند؛ چرا که بر طبق آیه هفتم سوره آل عمران می‌توان به مفهوم آیات متشابه پی‌برد، در این آیه چنین می‌خوانیم «و کسی از مفهوم آن‌ها مطلع نمی‌شود مگر خدا و راسخین در علم و کسانی که می‌گویند ما به آن‌ها ایمان آورده‌ایم». پس بر این اساس راسخین در علم، عالم و آگاه به مفهوم و معنی آیات متشابه هستند و بر این اساس آیات ناسخ را از آیات منسوخ و حلال قرآن را از حرامش و به طور کلی محکومات قرآنی را از متشابهاتش می‌شناسند.

از جمله آیات متشابه قرآن، آیاتی است که در یکی از صفات خداوند متعال بحث می‌کند مانند لفظ «وجه» در آیه 52 سوره انعام و آیه 9 سوره انسان و سوره لیل 3-20 که در معنی ظاهرش به معنی صورت است اما در مورد خداوند باید تأویل به خلوص نیت به خداوند کرد.

کلمه «ید» در آیات 186 سوره بقره و 16 سوره قاف که تأویل به این‌که خداوند با علم به انسان‌ها نزدیک است و سایر صفات الهی که جنبه جسمانیت به خدا را در ذهن بوجود می‌آورد با نظر به عدم جسمانیت خداوندی باید تأویل کرد.

راغب اصفهانی در باب «محکم» می‌گوید: «حکم، اصله: منع معنا لاصلاح» حکم در اصل به معنای منع کردن و جلوگیری به کار رفته است، البته جلوگیری از افساد به جهت اصلاح خواهد بود؛ لذا هر سخن و گفتاری که رسا و شبهه‌ناپذیر باشد و مورد کج فهمی قرار نگیرد، به چنان گفتار – و حتی کرداری – محکم گویند؛ یعنی مستحکم و خلل ناپذیر.

راغب اصفهانی گوید:

«حکم، اصله: منع معنا لاصلاح» حکم در اصل به معنای منع کردن و جلوگیری به کار رفته است البته جلوگیری از افساد به جهت اصلاح خواهد بود؛ لذا هر سخن و گفتاری که رسا و شبهه‌ناپذیر و مورد کج فهمی قرار نگیرد، به چنان گفتار – و حتی کرداری – محکم گویند؛ یعنی مستحکم و خلل ناپذیر

بخشی از آیات قرآن متشابه است که مایه شبهه و گاه دست‌آویزی برای فتنه‌جویان شده است. در تعریف متشابه گفته شده است که: «والمتشابه من القرآن ما اشکل تفسیره لمشابهته بغيره» متشابهات قرآن آن باشد که تفسیر آن مشکل آید؛ زیرا نمود آن‌چه هست را ندارد و به چیز دیگر شباهت دارد.

لذا در مورد قرآن، آن چیز دیگر جز ضلالت و گمراهی نباشد «فماذا بعد الحق الا للضلال» پس کلام حق (قرآن کریم) هرگاه نمودی جز حق داشته باشد و به باطل همی ماند، آن را متشابه گویند.

طبق این تعریف، تشابه – در آیات متشابه – تشابه حق و باطل است که سخن حق‌گونه خداوند، باطل‌گونه جلوه‌گر شود. ازاین رو، تشابه علاوه بر آن‌که بر چهره لفظ یا عمل، پرده‌ای از ابهام می‌افکند، موجب شبهه نیز هست.

بدین ترتیب هر متشابهی هم به تفسیر نیاز دارد که رفع ابهام کند و هم به تأویل نیاز دارد تا دفع شبهه کند؛ لذا تأویل نوعی تفسیر است که علاوه بر رفع ابهام، دفع شبهه نیز می‌کند. بنابراین مورد تأویل نسبت به تفسیر، اخص مطلق است. هر کجا تأویل باشد، تفسیر نیز هست، تفسیر در مورد مبهمات است که در محکم و متشابه هر دو وجود دارد و تأویل صرفاً در متشابه است که هم ابهام و هم تشابه دارد.

البته آن‌چه که عنوان شد سخن و نظر محققان بوده است. برای بهتر بیان شدند این موضوع و اصل و حقیقت مطلب در بخش بعدی این نوشتار، به بیان کلام اهل بیت (ع) می‌پردازیم تا سخن این بزرگواران فصل‌الخطاب این مسئله باشد.*

*منابع: دانشنامه رشد، التمهید فی علوم القرآن.

لازم به ذکر است که منابع یاد شده از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی <http://www.askquran.ir> و daneshnameh.roshd.ir مورد استفاده قرار گرفته است.